

# عوامل بزهکاری

## نوجوانان



نوشته : دکتر جاوید صلاحی

روزنامه‌ها و مجلات مصور- هواپیماهای سریع-  
السیبر و نظایر اینها.....  
در برخی از کشورها متخصصین که بر  
روی جرائم اطفال و نوجوانان مطالعه میکنند،  
باین نتیجه رسیده‌اند که سرعت رشد و بلوغ  
پیشرس اطفال یکی از علل مهمه ازدیاد  
جرائم بشمار میرود .

از آنجمله است کشور آلمان فدرال که در  
تحقیقات معموله از طرف ( کمیته اروپائی بررسی  
مسائل جنائی ) صریحاً باین مطلب خاطر-  
نشان کرده است .

گمان میرود علت ازدیاد جرائم  
نوجوانان در سنین بلوغ این باشد که در زمان  
حاضر اطفال از لحاظ جسمی زودتر رشد میکنند  
و طبعاً به پیروی از غرایز جسمانی خود به  
بسیاری از مسائل جنسی و نیازهای جسمی  
خویش واقف میشوند ، بدون اینکه از لحاظ

چنین به نظر میرسد که در قرن حاضر  
مخصوصاً پس از جنگ بین الملل دوم تا کنون  
سن بلوغ در بسیاری از کشورها مخصوصاً در  
کشورهای اروپائی مرتباً در حال تنزل است .  
بدین معنی که اطفال و نوجوانان اسروزی  
خیلی سریعتر از اطفال و نوجوانان اوائل این  
قرن به رشد جسمانی میرسند . مثلاً طبق  
بررسیهای آباری معموله در انگلستان سن  
بلوغ در طی ۴۰ سال گذشته یکسال هائینتر  
آمده و بطوریکه دانشمندان جامعه‌شناس و  
متخصصین فن اظهار عقیده میکنند ، این تنزل  
بلوغ بهمین نسبت در کشور مذکور ادامه  
خواهد یافت .

علل این مسئله بسیار پیچیده و متنوع  
است ولی بلاشک دو علت اصلی را که میتوان  
بر روی آن انگشت گذاشت ، یکی بهبود وضع  
زندگی و تغذیه در کشورهای پیشرفته است و  
دیگری پیشرفت وسائل ارتباط جمعی و ظهور  
وسایل شگفت انگیز خبری و ارتباطی که در  
گذشته وجود نداشته و یا در مراحل ابتدائی  
بوده است نظیر رادیو - تلویزیون - سینما -

I - Comité Européen pour les  
Problèmes Criminels .



روانی - عاطفی - اجتماعی ، پختگی کامل و راهنمائی کافی داشته باشند .

در کشور آلمان فدرال ، از طرف مسئولان امر چنین مسئله‌ای تأیید و ضمناً اظهار نظر شده است که شاید علل ازدیاد جرائم جنسی در میان جوانان آلمانی در سالهای پس از جنگ این باشد که اطفال امروزی نسبت به قرن گذشته در سنین خیلی کمتری به بلوغ جسمانی نایل میشوند ، در حالیکه هنوز از لحاظ روانی و عاطفی پختگی و رسیدگی کامل ندارند .

در حال حاضر در کشورهای اروپائی بسیاری از متخصصین امر اظهار نظر میکنند که تنزل سن بلوغ مستلزم تجدید نظر در مقررات مربوط به سن کبر میباشد و دولتها باید حتماً در این باره به اصلاحات اساسی در قوانین مربوطه دست زده و حتی در باره جرائم جنسی ارتكابی از ناحیه جوانان نیز چاره جدیدی بیندیشند .

برعکس در مورد جرائم شدید و جنایات بزرگ ارتكابی از ناحیه صغار و نوجوانان در کشورهای آلمان و انگلستان اظهار نظر شده است که آزمایشات روانی روانکاوی‌های معموله در مورد اینگونه نجرمین غالباً نشان دهنده یکنوع عدم رشد جسمانی ویا ( نقص بلوغ ) و ناپختگی روانی میباشد .

چیزی که در این مورد قطعی بنظر میرسد آن است که دوره بلوغ و تحول جسمانی صغار امروزه طولانی‌تر شده ولی تغییراتی که در طول این دوره زندگی جوانان امروزی حاصل میشود خیلی سریعتر و متنوع از سابق است .

بنظر میرسد که رابطه دیگری هم بتوان بین ( ناپختگی روانی ) و ( ارتكاب جرم ) از ناحیه صغار کشف کرد و آن اینست که مثلاً

مجرمین ۱۶ ساله امروزی غالباً بمشابه اطفال کم سن و سال دوران گذشته رفتار میکنند . یعنی از طرفی فقط به خواستهای خود توجه داشته و بهیچوجه رعایت حال دیگران



شیراز، دانشگاه علوم پزشکی، مرکز تحقیقات  
رتال جلالی، تهران

آزمایشات علمی متعدد دست زده و حتی کشف کرده‌اند که اسواج مغناطیسی مغز اینگونه سجرمین ۱۶ یا ۱۷ ساله ( که بوسیله دستگاه الکترو - آنسفالوگرام) ضبط شده است تقریباً

را نمی‌مایند و از طرف دیگر تحمل شکست و عدم موفقیت را نداشته و برای ارضای تمایلات خود هرگز قادر به صبر و شکیبائی نیستند .  
در این مورد روانکاوان و روانشناسان به

مشابه اسواج الکتریکی مغز کودکان و اطفال شش یا هفت ساله میباشد .

بسیاری از متخصصین عقیده دارند که (شرایط جسمانی) و (محیط اجتماعی) اثر نامطلوبی بر روی اینگونه مجرمین که تحت عنوان (پسیکوپات) شناخته شده‌اند باقی میگذارد.

گرچه هنوز بدستی رابطه میان زودخشمی - سبکی - ناپختگی روانی اینگونه مجرمین یا بعضی تظاهرات مربوطه ( نقص بلوغ جسمی) آنان شناخته نشده است. ولی وجود یک رابطه حتمی را بین مغز و جسم این مجرمین نمیتوان انکار کرد. زیرا طبیعی است که علل و عوامل روانی میتوانند معلولها و موجبات جسمی ایجاد نمایند مثلاً (ترس) میتواند موجب پریدن رنگ چهره و لرزش بدن گردد و یا (خشم) میتواند موجب سرخ شدن چهره و برگشتن حالت چشمها و لرزیدن دستها و نظایر اینها شود. ....

و نیز میدانیم که علل و عیوب جسمانی هم موجب بروز ناراحتی‌ها و اختلالات روانی میگرددند .

مثلاً کسانی که در طفولیت مرض (آنسفالیت) یا تورم مغزی گرفته‌اند ممکن است دچار جنون یا اختلالات روانی دیگر شوند که نتیجتاً موجبات ارتکاب جرم را از ناحیه آنان فراهم نماید .

چیزیکه بیشتر موجب تعجب و تحریر متخصصین جرائم اطفال گردیده است ، ازدیاد روز افزون مجرمین است که دارای اختلالات روانی یا نقایص عاطفی میباشدند .

مثلاً در انگلستان مدیران مؤسسه (بورستان) که از نوع کسانی اصلاح تربیت اطفال است همگی متفق القولند که تعداد مجرمین خردسال مبتلا به اختلالات روانی یا

دارای روحیات نامتعادل بیش از پیش افزوده شده است . تحقیقات معموله در آلمان نیز ازدیاد مجرمین از نوع بالا مخصوصاً افزایش اطفال ( نافرمان ) و (ناسازگار) در این کشورها بخوبی نشان میدهد .

گرچه بعضی از دانشمندان عقیده دارند که علل و نواقص بدنی بر روی شخصیت افراد (پسیکوپات) اثر میگذارد ولی عده بیشتری از متخصصین باین نتیجه رسیده‌اند که چون امروزه اغلب نوزادان نارس و علیل را که نارسائی بیولوژیکی مختلف دارند بکمک علم پزشکی زنده نگهدارند این موضوع سبب افزایش روز افزون اطفال میشود که دارای خصایص افسرد پسیکوپات بوده و این نارسائیهای بیولوژیکی را که با خود حفظ کرده‌اند بعدها موجبات ارتکاب جرم را از ناحیه ایشان فراهم مینماید .

حتی برخی از دانشمندان عقیده دارند که چون میزان تولد و تناسل در میان طبقات پائین اجتماع (مخصوصاً در بین کسانی که از سواد و اطلاعات کمتری برخوردارند) خیلی بیشتر از میزان زاد و ولد افراد باهوش و فهمیده اجتماعی میباشد بدین لحاظ بناچار بر میزان ارتکاب جرم نیز روز بروز درجوامع مختلف افزودم خواهد شد. ولی خوشبختانه باید گفت که این عقیده

افراطی چندان صحت نداشته و هنوز به اثبات نرسیده است زیرا بطوریکه محققین و متخصصین مختلف مطالعه و بررسی کرده‌اند میزان هوش و فهم و شعور بخودی خود در ارتکاب جرم چندان تأثیر ندارد . بعبارت دیگر تمام مجرمین اجباراً از میان طبقات بیهوش و کم شعور اجتماع برنخاسته‌اند، بلکه در بین افراد باهوش و فهمیده نیز مجرمین بسیار میتوان یافت. النهایه نوع جرم اینگونه افراد با دیگران اندکی فرق



نمی‌تواند یکی از عوامل ارتکاب جرم باشد ، بلکه از جمله عوامل ارتکاب جرم بایدشناخته شود سطح ( تناسب اجتماعی ) «۲» است که گاهی در بعضی از جرائم ممکن است مؤثر واقع شود .

بعضی از جرم‌شناسان ازدیاد جرائم اطفال را در سنوات اخیر در کشورهای اروپائی بدینگونه توجیه کرده‌اند که از طرفی بعد از جنگ دوم جهانی بر اثر پیشرفت رشته‌های مختلف پزشکی مرگ و سیر در میان اطفال خیلی کمتر از سابق شده است و از طرف دیگر

داشته و غالباً از سری جرائمی است که احتیاج به هوش و درایت و زرنگی خاص دارد ( نظیر جعل و کلاهبرداری و غیره . . . . . ) .

اخیراً موضوع ارتباط جرم با سطح هوش مجرمین مورد مطالعه یکی از محققین امریکائی قرار گرفته و خانم (سری وودوارد) «۱» ثابت کرده است که سطح هوش افراد بخودی خود

1 - Mary wood ward .

2 - Adéquation Sociale .

میدانیم که بر طبق اصول بیولوژیکی مقاومت نوزادان پسر کمتر از نوزادان دختر است و سابق بر این تعداد نوزادان پسر که سالم میمانند، خیلی کمتر از حال حاضر بوده است و نیز طبق آمارهای منتشره در کشورهای مختلف ارتکاب جرم در میان پسران جوان خیلی بیشتر از دختران میباشد بنابراین نتیجه این ازدیاد نوزادان پسر افزایش جرائم اطفال در اینگونه کشورها خواهد بود.

در مورد تأثیر محیط اجتماعی باید در درجه اول به تأثیر خانواده در روحيات و اعمال و رفتار اطفال خردسال اشاره کرد. زیرا این محیط خانواده است که صفات، روحيات و اخلاق کودک را بنا میکند.

برای اینکه طفل اخلاق خوب و روحيات متعادل داشته باشد طبیعی است که احتیاج به عشق و علاقه و محبت و راهنمایی پدر و مادر دارد. غیبت هر یک از پدر و مادر از محیط خانواده باعث بخطر افتادن تربیت و نقص عواطف طفل خردسال خواهد شد. این مسئله میتواند یکی از علل سهمه ارتکاب جرم از ناحیه کودک و نوجوانان باشد حتی اطفالیکه در جریان جنگ دوم در اروپا متولد شده اند نیز بعقیده اکثر متخصصین جرائم اطفال، دچار اختلالات روانی و کمبودهای عاطفی گردیده و زمینه ارتکاب جرم را در خود نهفته دارند.

زیرا بازگشت پدران اینگونه اطفال که غالباً در جبهه جنگ و یا در اسارت بوده اند به خانواده خود همواره باناراحتی و بر خوردهای روانی توأم بوده است.

ولی باید اشاره کرد که ازدیاد جرائم اطفال در کشورهای اروپائی را تنها به مشکلات دوران جنگ یاباس جنگ نمیتوان نسبت داد،

زیرا مسئله افزایش اینگونه جرائم حتی در کشورهای بیطرفی نظیر سوئیس و سوئد نیز که اصلاً در جنگ شرکت نداشته اند، اخیراً بشدت احساس شده و موجبات نگرانی مسئولان امر را فراهم کرده است.

طبق تحقیقاتی که در کشور سوئد بعمل آمده تحول کمی جرائم اطفال در این کشور افزایش قابل توجهی را در سالهای پس از جنگ نشان میدهد از دیاد اینگونه جرائم مخصوصاً در سنین بین ۱۵ تا ۱۷ سال کاملاً چشمگیر و نگران کننده است آمار مربوط به سنوات ۵۹ - ۱۹۵۰ بخوبی نشان میدهد که سال بسال نه تنها بر تعداد مجرمین صغیر افزوده میشود، بلکه حد متوسط سن اینگونه مجرمین نیز پائین تر میآید.

بعبارت دیگر، هر سال تعداد بیشتری از کودکان خردسال به گروه مجرمین در کشور سوئد افزوده میشود و ارتکاب جرم در میان خردسالان پسر و دختر بیش از پیش توسعه مییابد. در حدی که بتوان یک رابطه میان

افزایش جرائم اطفال و زندگی خانوادگی صغار نوجوانان برقرار کرد باید گفت که عوامل دیگری غیر از جنگ نیز در ازدیاد اینگونه جرائم تأثیر داشته اند. مثلاً در بسیاری از کشورهای اروپائی در سالهای پس از جنگ طلاق و ازهم پاشیدن کانون خانوادگی رویه ازدیاد گذاشته و علت آنرا نیز اغلب جاسعه شناسان و متخصصین امر در آزادی و استقلال اقتصادی زنان اروپائی میدانند. زیرا در سالهای اخیر در بسیاری از کشورهای اروپا زنان استقلال بیشتری یافته و غالباً به انجام کار در خارج از منزل مشغول گردیده اند همین سرگرمی های خارج از خانواده و داشتن درآمد و استقلال مالی موجب شده است که زنان اروپائی بیش

از پیش به طلاق وجدانی از همسران خود در پیش گرفتن یک زندگی مستقل عاطفی رغبت نشان دهند .

تجربه و تحقیق جرم‌شناسان و متخصصین جرائم اطفال نشان داده است که اینگونه جدائیها میان پدر و مادر حتی پیش از دعوا و نزاع موقتی میان زن و شوهر و یا خیانت یکی از آنان بدیگری، موجب ناراحتی اطفال شده و آنانرا به احساس بدبختی و ارتکاب جرم و ادا می‌نماید .

البته باید خاطر نشان کرد که گاهی نیز اختلاف اخلاق و روحیات میان پدر و مادر بعضی از اطفال بحدی است که خانه را به صحنه دائمی جنگ و نزاع تبدیل کرده و طفل را در سرگردانی و نوبیدی و خشم و طغیان غوطه‌ور می‌سازد .

در چنین صورتی حتی می‌توان گفت که طلاق مآلاً بیشتر به نفع آینده طفل است تا زندگی در یک چنین جهنم دائمی..... برخی از متخصصین نیز یکی از علل جرائم اطفال را در کشورهای اروپائی بی‌توجهی اولیای آنان نسبت به تربیت کودکان خود و ترك موقتی اطفال به امان خدا و یا سپردن آنان بدست كلفت و نوکر و یا همسایه‌ها بخاطر رفتن به سرکار میدانند . زیرا طبیعی است که چنین کودکانی خود سروی بند و بار و نومید و غاصبی خواهند شد و در ضمیر کودکانه خود همواره پدر و مادر خویش را مقصر شناخته و آنان را مسئول تنهایی و بدبختی خود خواهند شمرد .

محققینی چون باولبی «۱» - اشیک «۲» آلمانی و گلدفار «۳» امریکائی ناراحتی‌های روانی و عاطفی ناشی از کمبود مهر و محبت مادری را در اطفال خردسال مورد بررسی قرار داده و ثابت

کرده‌اند که اینگونه کمبودهای عاطفی یکی از علل مهم ارتکاب جرم از ناحیه اطفال و نوجوانان است .

بررسی‌های آماری در کشور آلمان نیز این مسئله را کاملاً تأیید کرده و نشان میدهد تعداد پدر و مادرانی که هر دو در خارج از منزل کار میکنند و اجباراً اطفال خود را به همسایگان سپرده و یا در منزل بحال خود رها می‌سازند ، پس از جنگ روبه افزایش گذاشته و دهه‌هون نسبت نیز در این کشور جرائم اطفال فزونی یافته است ..... در عوض تحقیقات آماری در نزد پناهندگان آلمانی نشان میدهد که علیرغم سرگردانی و پراکندگی ظاهری اینگونه خانواده‌ها اطفال آنان کمتر از اطفال و نوجوانان خانواده‌های عادی آلمان مرتکب جرم میشوند . احتمال بسیار زیاد دارد که این اثر نیکو ناشی از هماهنگی و پیوستگی خاصی باشد که اعضای خانواده‌های پناهنده در غیبت بیکدیگر نشان میدهند . توجیه این مسئله بطریق دیگر چنین است که معمولاً اعضای اقلیت‌ها در هر کشور و هر موقعیتی یکنوع وابستگی و نزدیکی خاصی نسبت به یکدیگر نشان میدهند . بعبارت دیگر مشکلات و مصائب مشترك موجب ایجاد همبستگی و علاقه میان کسانی میشود که با آن مصائب مشترك روبرو هستند . و چون عدم همبستگی و علاقه پدر و مادر موجب سقوط اطفال به گرداب جرم و جنایت است ، بنابراین علاقه و محبت و نزدیکی بیشتر آنان به یکدیگر موجبات دلگرمی اطفال و کناره‌گیری آنان را از

لطفاً بقیه را در صفحه ۵۸ مطالعه فرمائید

1 - Bowlby 2 - Speck 3 - Goldfarb .

(۳) قال رسول الله (ص) خير المجانس ما استقبال بها (منية المرید ص ۷۶) .

(۴) قال رسول الله (ص): وقروا كباركم وارحموا صغاركم .

(۵) اللهم اني أعوذ بك من علم لا يتفع ومن قلب لا يخشع ومن دعاء لا يسمع (منية المرید ص ۷۸) .

(۶) شهید ثانی متن این دعا را بتفصیل ذکر کرده است ، علاقمندان می توانند به کتاب (منية المرید ص ۷۸) مراجعه نمایند .

(۷) قال رسول الله (ص) : ان الله يحب الصوت الخفيض ويغض الصوت الرقيق (منية المرید ص ۸۰) .

(۸) قال علي عليه السلام : اذا سلمت عمالات تعلمون ، فاهربوا ، قائم و كذا كذا الهرب ۱۹ قال : فتقولون : الله أعلم .

(۹) قال الباقر عليه السلام : ما علمتو فتقولوا ، ما لا تعلمون فتقولوا الله أعلم .

(۱۰) وعن زرارة بن أعين قال سألت أبا جعفر عليه السلام ما حق الله على العباد قال أول قولوا ما يعنون و تقولوا لا يعنون

(۱۱) وعن الصادق عليه السلام ان الله خص عباده بأربعين من كتابه أن لا يقولوا حتى يعنوا ولا يرددوا ما لم يعنوا . قال الله عز وجل : «لم يؤخذ عليهم ميثاق الكتاب أن لا يقولوا على الله إلا الحق» . (سوره اعراف آیه ۳۱) و قال عز من قائل : «بل كذبوا بما لم يحيطوا بعلمه و لما يأتيهم تأويله» . (سوره يونس آیه ۱) .

(۱۲) علاقمندان برای اطلاع از متن این احادیث می توانند بکتاب منية المرید ص ۷۷ مراجعه نمایند .

(۱۳) من أفسد جوانیه أفسد الله برائیة .

(۱۴) الشیخ بعالم یسطر کلابس ثوبین زوراً .

(۱۵) هر انسانی ممکن است دچار لغزش و اشتباه گردد و در شان آمده است : ان الانسان مجل الخطأ والنسيان .

(۱۶) وكان رسول الله (ص) اذا فرغ من حديثه و اراد أن يقوم من مجلسه يقول :

اللهم اغفر لنا ما أخطأنا وما تعمدنا وما أمرتنا و أنت أعلم به منا أنت الغفار و أنت السؤخر لا اله الا أنت (منية المرید ص ۸۰) .

(۱۷) سبحانك اللهم و بحمدك أشهد ان ناله الا أنت استغفرك و أتوب اليك سبحان ربك رب العزة عما يصفون و سلام على المرسلين و التحمد لله رب العالمين .

بقیه از صفحه ۳۰

**عمل در بهاری**

ورطه فساد و جرم و جنایت بر اہم شماست .  
 نظیر همین مسئله در جریان جنگ دوم جهانی در کشورهاییکه تحت تسلط و اشغال قوای آلمان نازی بودند نیز مشاهده شد .  
 زیرا در این هنگام نیز با اینکه فقر و نا احوالی های مادی و معنوی خانوادہها را در کشورهای آن اشغالی تهدید میکرد و با اینکه اغلب پدران و نان آوران خانوادہها به جبهہ جنگ اعزام شده بودند ، ولی میزان حرام اطفال در اینگونه کشورها نسبت به دوران قبل از جنگ ، تقبیل محسوسی را نشان میدادہ است .